

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث در این بود که آیا تعبد به ظن امکان دارد یا خیر؟

برای اینکه ما در فقه اکثر ادله‌ی که برای استفاده حکم شرعی داریم ادله ظنیه است، مثل خبر واحد و ظواهر آیات، آن وقت قبل از اینکه به این بحث‌ها برسیم باید اولین بحثی که مطرح بشود این است که آیا شارع می‌تواند ما را متعبد به ظنون کند؟ و آیا امکان دارد شارع ما را متعبد کند یا خیر؟ اگر نتوانستیم امکان تعبد به ظن را اثبات کنیم، باید در همه ادله‌ی که بعداً می‌رسیم برای حجیت ظنون خاصه ما باید در همه آنها توجیهی داشته باشیم. و اگر بتوانیم امکان تعبد به ظن را اثبات کنیم دیگر آن ادله روی همین امکان استوار است و آن ادله هم وقوع تعبد به ظن را دلالت دارد.

معانی اربعه امکان

عرض کردیم که برای امکان در اینجا چهار احتمال و چهار معنا شده است.

1- امکان بمعنای احتمال عقلی است.

2- امکان بمعنای امکان ذاتی است.

3- امکان بمعنای امکان وقوعی است،

که گفتیم در میان این سه معنا آنی که صحیح است همین امکان وقوعی است. مشهور هم این حرف را دارند از عبارت مرحوم آخوند در کفایه هم همین معنا استفاده می‌شود که ایشان هم مسئله امکان وقوعی را قایل هستند.

دلیل امکان وقوعی

به ظنون کرد تالی فاسدی ندارد، موجب تفویت مصلحت یا القاء در مفسده نیست. مرحوم آخوند می‌فرمایند: «دلیل ما خود وقوع است ما اصلاً نیازی نداریم برای اثبات امکان وقوع حالا اگر کسی سؤال کند که ما چه دلیلی بر امکان وقوعی داریم که امکان وقوعی را معنا کردیم که «ما لا يلزم من فرض وجوده و وقوعه محال» اگر چیزی از وجود و وقوعش در عالم خارج

محال لازم نیاید این را می‌گویند ممکن است وقوعاً و این معنای امکان وقوعی است.

ما وقتی می‌گوییم تعبد به ظن امکان دارد به امکان وقوعی یعنی اگر شارع ما را متعبد عی به چیز دیگری؛ خود وقوع برای ما دلیل است و ادل دلیل علی امکان شیء وقوعه است.» اگر ما شك کنیم يك چیزی امکان دارد یا ندارد، همین که دیدیم در عالم خارج واقع شده است وقوعش بهترین دلیل برای امکانش است، و ما می‌دانیم که تعبد به ظن واقع هم شده است. بعداً یکی یکی اینها را بررسی و ذکر می‌کنیم. اساساً مرحوم آخوند می‌فرماید: «اگر تعبد به ظن واقع شده است دیگر بحث از امکان لغو است.» چون وقتی چیزی واقع شده است مسلماً ممکن است که واقع شده است و اگر تعبد به ظن واقع نشده باشد باز هم بحث از امکان ثمری برایش مترتب نیست؛ ما نمی‌خواهیم يك بحث صرف علمی کنیم که آیا برای شارع تعبد به ظن امکان دارد یا نه؟ اگر یقین داشته باشیم تعبد به ظن واقع نشده باز بحث از امکان هیچ ثمری بر او مترتب نمی‌شود. پس دلیل آخوند بر امکان خود وقوع تعبد به ظن در عالم خارج است. وقوع عنوان اخص را دارد، امکان اعم است و اخص دلیل است برای اعم.

معنای چهارم امکان

مرحوم نائینی در کتاب فوائد الاصول، جلد سوم، صفحه 88، می‌فرماید: «مقصود از امکان در اینجا امکان تشریعی است نه امکان تکوینی؛ این سه معنای سابق (امکان بمعنای احتمالی عقلی، امکان بمعنای امکان ذاتی، امکان بمعنای امکان وقوعی) همه از اقسام امکان تکوینی هستند؛ ما وقتی می‌گوییم امکان وقوعی یعنی آنی که از وقوعش فساد یا محالی لازم نیاید یعنی در عالم تکوین محالی لازم نیاید، در عالم تکوین چیزی که محبوب است مبعوض نشود و یا بالعکس.» اما ایشان می‌فرمایند مراد امکان تشریعی است و امکان تشریعی را تعریف می‌کنند به این که چیزی که از فرض وجودش در عالم تشریع يك محالی یا تالی فاسدی لازم نیاید، اگر شارع ما را بخواهد متعبد به ظن کند و محذوری در عالم تشریع به وجود نیاید، یعنی چیزی که واجب است حرام نشود، و چیزی که حرام است واجب نشود، چیزی که مصلحت دارد مفسده دار نشود، و فرموده‌اند امکان تکوینی از محل بحث خارج است، يك چیزی می‌خواهد امکان تکوینی داشته باشد یا نداشته باشد، دخالتی در بحث ما ندارد.

تقریباً بعد از مرحوم نائینی احدی این نظریه ایشان را نپذیرفته‌اند؛ حتی تلامیذه ایشان هم این نظریه را مورد مناقشه قرار داده‌اند، هم مرحوم محقق عراقی چون این فوائد الاصولی که تقریرات مرحوم نائینی است و این چاپ اخیری که توسط انتشارات جامعه مدرسین شده با حاشیه مرحوم عراقی است، یعنی مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی که خودش هم عصر با مرحوم نائینی بوده دو فصل اصولی بودند در زمان خودشان، ایشان حاشیه‌اش بر این فوائد الاصول هم چاپ شده است ایشان این را رد کرده شاگردهای مرحوم نائینی رد کردند، امام (رضوان الله علیه) در کتاب انوار الهدایة در جلد اول، صفحه 189 هم رد کرده‌اند این نظریه را و اینها در مقام رد غالباً يك بیان مشترکی دارند اما دقیقتر از همه در کلمات امام (رضوان الله تعالی علیه) آمده است و ما هم بیان ایشان را در اینجا نقل می‌کنیم.

نقد امام (ره) بر فرمایش محقق نائینی (قده)

امام (رض) در رد مرحوم نائینی می‌فرماید: «امکان تشریعی یکی از مصادیق امکان وقوعی است يك اسم مستقلی در مقابل امکان وقوعی نیست؛» و اساساً می‌فرماید: امکان وقوعی هم همان امکان تکوینی است و در نتیجه ما دوتا امکان که یکی امکان تشریعی و یکی امکان تکوینی نداریم. توضیح مطلب این است که خود امکان و استحاله از امور واقعیه‌ای است که عقل درک می‌کند، شما چطور در باب حسن و قبح افعال می‌گویید عقل حسن یا قبح افعال را درک می‌کند؛ خود امکان یا استحاله این هم از امور تکوینیه واقعیه‌ای است که عقل درک می‌کند، اصلاً دیگر ما چیزی بنام امکان تشریعی نداریم، امکان يك قسم است يك نوع است، و آن هم امکان تکوینی است، امکان تکوینی هم همان امکان وقوعی است، چیز دیگری نیست.

عقل درك می‌کند این اگر بخواهد واقع بشود مستلزم محال هست یا نیست، بلی می‌فرمایند اگر متعلق این امکان از امور تکوینیه باشد يك قسم است، گاهی متعلق امکان از امور تشریعیه است، اختلاف در متعلق موجب اختلاف در حقیقت نمی‌شود، امکان يك حقیقت واحده دارد، همان امکان تکوینی است، همین امکان تکوینی یعنی چه؟ یعنی امکان وقوعی، امکان وقوعی تکوینیه یعنی عقل درك می‌کند اگر این فعل در عالم خارج واقع شود مستلزم محال نیست این را عقل درك می‌کند، حالا این امکان تکوینی گاهی به امور تکوینیه تعلق پیدا می‌کند و گاهی به امور تشریعیه تعلق پیدا می‌کند، در آنجایی که يك امکان تکوینی به امور تکوینیه تعلق پیدا کند می‌گوییم آقا پریدن انسان در هوا امکان دارد، امکان وقوعی دارد یانه، این تعلق پیدا کرده به يك امر تکوینی کاری به شرع ندارد، اما الان متعلق این امکان وقوعی و امکان تکوینی متعلقش امور شرعی است یعنی ما می‌خواهیم ببینیم در دایره شریعت اگر شارع ما را متعبد به ظن کند آیا محالی لازم می‌آید یا لازم نمی‌آید!

اختلاف در متعلق موجب اختلاف در اقسام هست یا خیر؟

امام نکته ي دارند و می‌فرمایند اگر بنا باشد اختلاف متعلق موجب اختلاف در اقسام بشود ما می‌توانیم اقسام زیادی برای امکان درست کنیم؛ بگوییم يك قسم امکانی که مربوط به عالم مُلک است، يك قسم امکانی که مربوط به عالم ملکوت است، يك قسم امکانی که عنصری است، يك قسم امکانی که مربوط به افلاک فلکی است، اختلاف متعلق نمی‌تواند اقسام امکان را متعدد بکند. پس نتیجه این شد عرض کردم که این مطلب مطلب مسلم و مورد اتفاق همه بزرگان هم هست، من کسی را ندیدم با این نظریه مرحوم نائینی موافقت کرده باشد که بگوید این امکان اصلاً امکان تشریعی است و حقیقتش با امکان تکوینی جدای از یکدیگر است.

پس این معنا که روشن شد معانی سه گانه قبلی را هم که بررسی کردیم فقط رسیدیم به اینکه آقا در اینجا مراد از امکان امکان وقوعی است؛ می‌خواهیم ببینیم شارع اگر ما را متعبد کرد مشکلی پیش می‌آید یانه؟ شارع اگر ما را متعبد کرد محالی لازم می‌آید یا لازم نمی‌آید؟ آنچه که مورد بحث ماست يك چنین چیزی است. حالا يك نکته دیگری باز در کلمات امام (رض) است و آن این است ایشان می‌فرمایند: «اساساً باید عنوان بحث را عوض بکنیم» از زمان شیخ یا يك مقداری هم قبل از مرحوم شیخ بحث آمده روی اینکه «هل يمكن ا لتعبد بالظن ام لا» آمدیم در محل نزاع کلمه «امکان» را آوردیم آن وقت تا کلمه امکان آمده بگوییم آقا «امکان» چند معنا دارد اصولیین کدام معنا را در اینجا اراده کرده اند؟

امام در همین انوار الهدایه می‌فرمایند: «ما اصلاً نباید مسئله را اینطور مطرح کنیم، ما باید بگوییم آیا دلیلی بر امتناع تعبد به ظن داریم یانه؟» بحث از ابن قبه شروع شده، ابن قبه در بحث ظنون اشکالاتی را مطرح کرده و دنبال آن اشکالات این بحث‌ها مطرح شده است، که آیا تعبد به ظن امکان دارد یانه؟ می‌فرمایند: ما چرا بیاییم کلمه «امکان» را بیاوریم خودمان را گرفتار کنیم! بگوییم آقا این امکان به چه معناست در اینجا، بلکه نزاع را باید اینطور تحریر کرد که آیا دلیلی بر امتناع تعبد به ظن داریم یانه؟ یا به بیان دیگر فرمودند بگوییم: «فی عدم وجدان ما يدل علی الامتناع» تعبیری که خودشان دارند این است «فی عدم وجدان دلیل علی الامتناع تعبد بالامارات» دلیلی بر امتناع تعبد ما نداریم، دیگر لازم نیست این بحث‌ها را مطرح کنیم که امکان وقوعی است، ذاتی است، تشریعی است، بمعنای امکان عقلی است.

به نظر ما این حرف بسیار دقیق و خوبی است که ما با تغییر عنوان بحث از اول می‌گوییم آقای ابن قبه تو این ادله‌ای را که آوردی این ادله ات باطل است! ادله‌اش که باطل شد و تمام شد دلیل هم داریم بر اینکه واقع هم شده است، مسئله تمام می‌شود. تا اینجا امر اول تمام، ما گفتیم که در این امر اول مرحوم آخوند سه مطلب دارند. مطلب اول: این بود که آیا تعبد به ظن امکان دارد یا نه؟ مرحوم شیخ اعظم انصاری (قدس سره) فرموده حالا اگر شك کنیم که آیا امکان هست در اینجا یا امکان نیست، فرموده بنای عقلا در مورد شك این است که جانب امکان را ترجیح می‌دهند. در موردی که عقلا شك می‌کنند آیا يك امری ممکن است یا ممکن نیست، ممکن است یا محال جنبه امکان را ترجیح می‌دهند. مرحوم آخوند این کلام شیخ را نقل کردند در کفایه و

مورد مناقشه قرار دادند ما حالا يك مقداری اول مطلب شیخ را بپروانیم که شیخ چه می‌خواهد بگوید بعد مطلب مرحوم آخوند و اشکالات آخوند بر شیخ را ذکر می‌کنیم.

مشهور در مقابل اشکالاتی که ابن قبه کردند، مشهور گفتند که ما قطع به این داریم که از تعبد به ظن هیچ تالی فاسدی لازم نمی‌آید، ما قاطع هستیم که شارع اگر آمد ما را به ظن و عمل به ظنون متعبد کرد هیچ تالی فاسدی لازم نمی‌آید، مرحوم شیخ فرموده است که این قطعی که شماي مشهور ادعا می‌کنید در جایی است که ما عالم به تمام ملاکات باشیم عالم به تمام جهات محسنه و مقبحه باشیم، اگر شما می‌گویید تعبد به ظن تالی فاسد ندارد باید يك چنین علمی داشته باشیم که آقا تمام ملاکات لازم الرعایة، رعایت شده است، هیچ ملاکی هم از بین نمی‌رود در حالی که ما چنین احاطه‌ای را نداریم؛ کی می‌تواند ادعا کند که ما بر همه جهات محسنه و مقبحه احاطه داریم! لذا فرموده ما باید کلام مشهور را يك صورت دیگری برایش بدهیم نیایم بگوییم ما قطع داریم به اینکه از تعبد به ظن هیچ فساد لازم نمی‌آید و هیچ تالی فاسدی ندارد! چه بگوییم؛ ایشان فرموده ما باید بگوییم ما وقتی به عقلمان مراجعه می‌کنیم وقتی مراجعه می‌کنیم به عقول خودمان «لا نجد فی عقولنا بعد التأمل ما یوجب الاستحالة» ما چیزی که موجب استحاله باشد پیدا نمی‌کنیم.

اینجا مواجه با این اشکال می‌شوند شما که پیدا نمی‌کنید «عدم الوجدان – که – لا يدل علی عدم الوجود» شما که می‌گویید عند المراجعة به عقولمان ما پیدا نمی‌کنیم این که دلالت بر عدم وجود ندارد؛ شیخ اینجا می‌فرماید که ما مقصودمان این است عقلا در موردی که دلیل بر استحاله ندارند بنا را بر امکان می‌گذارند، در موردی که دلیلی بر استحاله يك چیزی ندارند اگر شك کردیم يك چیزی ممکن است یا محال وقتی به عقلا مراجعه می‌کنیم، عقلا می‌گویند اگر دلیلی بر استحاله پیدا نکنیم ما بناء را می‌گذاریم بر امکان.

پس این که می‌گوییم شیخ می‌فرماید اصل اولی امکان است، مراد شیخ يك چنین مطلبی است. حالا شما کلام شیخ را در رسائل ببینید، کلام مرحوم آخوند را در کفایه ببینید. و نکته ي که وجود دارد این است که آیا آخوند در کفایه سه اشکال بر شیخ دارد؟ مرحوم آقای خوئی در مصباح الاصول، والد راحل ما(رض) در کتاب سیری کامل در اصول فقه، اینها می‌فرمایند آخوند به مرحوم شیخ سه اشکال دارد اما به نظرما آخوند دو اشکال دارد و آنچه که این بزرگان بعنوان اشکال سوم می‌گویند او مربوط به مدعای خود مرحوم آخوند است نه رد بر مرحوم شیخ لذا آقایان ببینند این را تا ان شاء الله روز شنبه بحث را دنبال بکنیم.

سفارشات استاد نسبت به شیوه درسی

چون اول سال تحصیلی است، من يك نکته‌ای را که بعضی از آقایان هم تذکر دادند که راجع به شیوه بحثی و درسی است که نکته مهمی است عرض کنم. ببینید آقایان! بحث، بحث خارج است؛ بحث خارج معنایش این است که شما رسائل را با دقت تمام کردید، کفایتین را با دقت تمام کردید، حالا آمدید می‌خواهید حرف نهایی را بزنیم و بگوییم که حالا این همه حرفها کدام صحیح است. چند نکته را اگر رعایت نفرمایید می‌شود گفت که فقط وقت خودتان را يك مقداری مشغول کرده اید و نتیجه کافی نگرفتید.

نکته اول این است که قبل از درس حتماً آن مطالبی را که ما ارجاع می‌دهیم بروید ببینید. الان در این بحث می‌گوییم آقا کلام شیخ را ببینید، کلام مرحوم آخوند را ببینید، روز شنبه آقایان باید دیده باشند و به دنبال این باشید که ما چه حرف تازه‌ای برای شما داریم. درس خوب، درس قوی، درسی است که يك مطلب دقیقی را گوینده بتواند ارایه بدهد؛ حالا گوینده یا مال خودش باشد مطلب یا از يك بزرگی و از يك استادی استفاده کرده بعنوان دقیقترین نکته ي در بحث به شما ارایه بدهد.

من این نکته را عرض کنم امسال دهمین سال تدریس اصولمان هست، اصول را می‌شود چهار پنج سال سریع گفت و هیچ محصلی هم ندارد، شاید در حد همان کفایه باشد، ولی شما الان می‌خواهید عمری را صرف کنید، می‌خواهید استنباط کنید، در کل فقه، وقتی می‌خواهید استنباط کنید اگر از اول يك ابن قبه‌ای بپاید جلوی شما بگوید اصلاً تعبد به ظنون امکان ندارد، تمام این روایات را باید بگذارید کنار! این که نمی‌شود، مگر کسی بگوید من این روایات را قطعی الصدور می‌دانم (ادعای اخباری‌ها) و الا کسی که غالباً هم قطعی نمی‌داند چطوری می‌خواهد به اینها عمل بکند؟

شما باید خیلی دقیق آنچه که در اصول مطرح شده خیلی با دقت دنبال کنید بحث اجتهاد يك بحث آسانی نیست، واقعاً مشکل است، بزرگان نقل می‌کردند که اساتید ما از مشایخ خودشان و از اساتید خودشان نقل می‌کردند که اجتهاد بمنزله این است که انسان يك کوهی را بخواد با سوزن شروع کند به تراشیدن، حوصله می‌خواهد، صبر می‌خواهد، استقامت می‌خواهد، پشتکار می‌خواهد، اینطور نیست که حالا دوتا مطلب را آدم یاد بگیرد بگوید من مجتهدم شدم تمام شد.

لذا خیلی باید دقت کنید وقت خودتان را هدر ندهید، با برنامه کار کنید، یعنی در هر درسی که می‌خواهید حضور پیدا کنید اولاً ببینید این درس مفید است یا مفید نیست، این درس اگر تکرار آن کتاب‌های اصولی که الان در حوزه هم فراوان است باشد فایده ندارد، شما هم می‌توانید الان مصباح الاصول را يك دوره مباحثه کنید شاید از خیلی از درس‌های موجود نفیض برای شما بیشتر باشد. از همان موقعی که ما می‌خواستیم خارج اصول را بخوانیم یکی از راه‌های که به آن رسیدیم آخر الامر همین بود که ببایم فوائد الاصول مرحوم نائینی را از اول تا آخر يك دور مباحثه کنیم، دیدیم خیلی قویتر از بسیاری از درس‌هاست. درسی را بروید که واقعاً براتان مطلبی را حلاجی کند، تحقیق شود، ذهن شما را نسبت به آن مطلب روشن کند و پیش مطالعه حتماً داشته باشید، اصلاً وقتی گوینده در درس حرف می‌زند نباید مجال بدهید، باید روی کلمه به کلمه شما بتوانید حرف بزنید. پس یکی اینکه حتماً پیش مطالعه بکنید.

نکته دوم اگر مباحثه نداشته باشید فایده ندارد. متأسفانه این روزها مباحثه در حوزه دارد کم رنگ می‌شود. قوت نظام آموزشی ما به مباحثه است، کلید اجتهاد مباحثه است، یعنی با مباحثه است که آرام آرام ذهن شما آماده می‌شود برای اینکه نظریاتی ازش فوران کند، مباحثه را حتماً داشته باشید. حالا مباحثه‌ی خیلی خوب این است که آدم يك کسی قویتر از خودش گیر بیاورد و با او باحثه بکند، نشد يك کسی هم سطح خودش، نشد يك کسی کمتر از خودش باشد که اقلأ همین درسی که امروز گفته می‌شود بگوید آقا من می‌خواهم يك بار برای شما بیان کنم بالاخره شما يك روزی می‌خواهید استنباط کنید، يك روزی می‌خواهید درس بدهید، اینها برای شما خیلی راحت می‌شود اگر هر روز مباحثه داشته باشید، اما اگر مباحثه نداشته باشید نه مطلب برایتان روشن است و نه قدرت این را دارید که آینده دنبال کنید مطالب را.

نکته سوم این است که آنچه که ما می‌گوییم و ارجاع می‌دهیم، امروز می‌گوییم آقا انوار الهدایة امام این مطلب را دارد بروید آن مطلب را پیدا کنید، حتی اگر من يك بسم الله الرحمن الرحيم را از انوار الهدایة نقل کردم مراجعه کنید، مراجعه برای انسان تازه‌هایی را ایجاد می‌کند. شاید شما يك نکته‌ای را استفاده کنید که به ذهن خود من نرسیده باشد، این خیلی امر طبیعی است زیاد هم واقع شده است. حتماً مراجعه کنید اگر ما می‌گوییم امام بر مرحوم نائینی اشکال دارد ما اشکال را بیان کردیم شما ببینید ما چطور بیان کردیم؛ انوار الهدایة را بگذارید جلوی تان سطر به سطر و کلمه به کلمه ببینید، اصلاً ما دقیق گفتیم یا نه!

من این نکته را هم عرض کنم ما اگر بخواهیم همه نکات همه کتاب‌ها را بخواهیم مطرح کنیم نمی‌توانیم، وقت اجازه نمی‌دهد سعی می‌کنیم آن نکات مهمه که در تحقیق يك مطلبی دخالت دارد بیان کنیم. بنابر این، نکته سوم این است که آقایان به آن مدارکی که ما ارجاع می‌دهیم که من مقید هستم جلد کتاب و صفحه کتاب را هم بگویم؛ اینطور چیزها در اصول یعنی در درس‌های اساتید ما نبود می‌گفتند نائینی این را گفته باید خودمان می‌رفتیم دنبال می‌کردیم نائینی در کجا این مطلب گفته است. بنابر این، حالا صفحه را می‌گوییم، جلد را می‌گوییم مشخص هست که کجا باید مراجعه کنید، کتاب هم در دست‌رستان هست. علی‌ای حال از

وقتتان استفاده کنید من چهارشنبه‌ها اگر موفق شوم يك حديث اخلاقی مي خوانيم، تذكر اخلاقی مهم من در این هفته ي اول سال تحصیلی این است که برای وقت مان برنامه ریزی کنیم، از وقت مان کمال استفاده را بکنیم این بحث «امکان تعبد به ظن» را الان خودتان در دفترتان يك صفحه، دو صفحه بنویسید بعد هم نظر خودتان را بنویسید بگویید به نظر من از این چهار امکان، این نوع امکان درست است. حالا پنج سال دیگر به همین بحث مراجعه می‌کنید قویتر و دقیقتر هستید ولی يك مجموعه‌ای را در اختیار دارید.